

علم منطق

درس هیفدهم

ادامه بحث مبادی قیاس

در درس قبل ، یقینیات و اقسام آن را بیان کردیم . اینک به شرح سایر اقسام مبادی قیاس می پردازیم :

مظنونات

مقصود از مظنونات ، قضایایی هستند که اعتقاد به نفی یا اثبات آنها راجح است ، ولی طرف مقابل آن هم با احتمال کمتر ، محتمل می باشد.

مثل بسیاری از تئوری هایی که شواهدی بر درستی آنها وجود دارد ، ولی دلیل و برهانی قطعی بر اثبات آنها اقامه نشده

است. مانند تئوری هایی که در خصوص پایان عمر جهان مادّی بیان شده است. یکی از این نظریّه ها این است که :

"جهان که در حال حاضر در حال انبساط است ، سرانجام به حالت انقباض و فشرده شده بر خواهد گشت و در پایان ، به حالت اولیّه که در لحظه نخستین خلقت داشته ، باز می گردد".

این تئوری ، یکی از نظریه هایی است که پایان جهان طبیعی را پیشبینی می کند و شواهدی هم برای آن وجود دارد (که موجب ظنّ و احتمال راجح نسبت به آن می باشد) ولی هنوز دلیلی علمی که یقین آور باشد ، بر اثبات آن اقامه نشده است. بنا بر این ، طرف مقابل این نظریه ، هنوز محتمل است.

مشهورات

مشهورات ، عبارتند از قضایایی که تنها به خاطر اتّفاق نظر عقلاء و عموم مردم نسبت به صحّت آنها ، مورد اذعان قرار می گیرند.

مشهورات نیز ، به نوبه خود به اقسام فرعی گوناگونی مانند آنچه در زیر آمده است ، تقسیم می گردد :

الف - تأدیبات صلاحیّه. یعنی : قضایایی که به خاطر حفظ نظام جامعه بشری ، مورد اتّفاق عقلاء قرار گرفته است. مانند اینکه بگوییم :

"عدالت خوب است ، و ظلم بد است".

در این مثال ، عقلاء و خردمندان ، به پشتوانه عقل عملی که باید‌ها و نباید‌ها را تبیین می‌کند ، و به منظور حفظ نظام اجتماعی و رشد جامعه بشری ، چنین حکمی را به اتفاق آراء تصدیق می‌نمایند.

ب - خُلُقِیَّات. یعنی : قضایایی که عقلاء به اقتضای خلق و خوی ناب انسانی ، نسبت به صدق آنها اتفاق نظر دارند.
مثل اینکه بگوییم :

"شجاعت ، صفتی ارزشمند است".

دو قسم مذکور ، یعنی تأدیبات صلاحیه و خلقیات را "محمودات" و "آراء محموده" هم می‌نامند.

ج - انفعالیَّات. یعنی : قضایایی که عقلاء به اقتضای انفعال نفسانی و یا واکنش عاطفی مانند حسّ مهربانی یا احساس غیرت و حمیت ، مورد اذعان قرار می‌دهند. مثل اینکه بگوییم :
"اذیت و آزار حیوانات بدون دلیل ، امری ناشایست است".

این سخن به اقتضای حسّ ترحمّ ، مورد اتفاق قرار می‌گیرد.

یا مانند این سخن فردوسی که می‌گوید :

چو ایران نباشد تن من مباد

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

اگر سربسرتن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
این سخن به مقتضای احساس غیرت و حمیت و میهن دوستی
مورد اذعان و اتفاق قرار گرفته است.
د - عادیات. یعنی : قضایایی که بر اساس عادات و آداب و
رسوم پذیرفته شده در نزد عامه مردم یا قومی معین ، مورد
اتفاق نظر قرار می گیرند. مثل اینکه بگوییم :
"بلند شدن در هنگام ورود شخصیتی بزرگوار به احترام وی ،
امری پسندیده است".

وهمیات

وهمیات ، عبارتند از قضایایی که خالی از واقعیت هستند ولی
به مقتضای توهم انسان ، حتی در برابر دلیل عقلی که بر خلاف
آن است ، مقاومت می کنند ، و آدمی نمی تواند به راحتی از
تأثیر گذاری آنها رها شود. مانند توهم خوف از جنازه مرده ، یا
وحشت از محیط قبرستان در تاریکی شب برای برخی از
اشخاص ، که آنها را وادار می کند مثلا جنازه میت را امری
ترسناک بدانند.

در حالی که این افراد با دلیل عقلی می دانند که جنازه مرده به آنها آسیبی نمی رساند ؛ و یا اینکه محیط قبرستان در تاریکی ، تفاوت چندانی با آن محیط در روشنایی ندارد.

بنا بر این ، وهمیّات ، قضایایی هستند که به حکم وهم ، مورد اذعان قرار می گیرند ، گرچه نادرست و بدون واقعیت هستند.

وهمیّات ، حتی در علوم عقلی و اعتقادی هم دست از سر مردم بر نمی دارند. مثلا برای درک معانی مجرد ، وهم انسان وارد عمل می شود ، و آن معانی را با شکل و شمایل و خصوصیات امور مادّی و جسمانی به تصویر می کشد و آن را مورد اذعان قرار می دهد.

مسلمات

مسلمات ، قضایایی هستند که صرف نظر از اینکه مطابق واقع باشند یا نباشند ، مورد توافق طرفین در بحث قرار می گیرند تا به بحث خود ادامه دهند و مطلب دیگری را اثبات یا نفی کنند.

همچنین به اصول موضوعه که در علوم گوناگون که با معیارهای آن دانشها در محلّ خود به اثبات رسیده اند و ما می خواهیم از آنها در علمی دیگر مثل علم منطق به عنوا شاهد یا مثال استفاده کنیم ، مسلمات می گویند. به این معنا که کار نداریم آن قضایا در علوم مربوطه صحیح هستند یا نه ، بلکه چنین

فرض می کنیم که امری مسلم هستند ، تا بتوانیم مقصود خود را توضیح دهیم.

مقبولات

مقبولات ، قضایایی هستند که به خاطر اعتماد و اطمینان به مصدر آنها ، مورد اذعان و اعتقاد قرار می گیرند. مانند احکام یا روایاتی که از پیامبران و امامان معصوم برای پیروان آنان نقل می شود. یا مانند سخنانی که از حکیمان بزرگ و دانشمندان نامدار برای معتقدان به آنها بیان می گردد. بنا بر این ، منشأ اعتقاد به قضایای مذکور ، پیروی از دیگران است. مثل سخنان پزشک متخصص برای بیماری که به او مراجعه نموده است.

مشبهات

مشبهات ، قضایایی هستند که ظاهراً شبیه قضایای معتبر مثل یقینیات هستند ، ولی واقعاً نادرست و باطل می باشند. مثل اینکه به منظور تزویر در کلام و فریب دادن اشخاص ، الفاظ مشترک که معانی متعدّد دارند به کار گرفته شود ، یا اینکه از

الفاظ مجازی به جای کلمات حقیقی در تدوین قضیه استفاده شود. اینگونه قضایا ، در مغالطه به کار برده می شوند.

مخیلات

مخیلات ، قضایایی هستند که به نحوی بیان می گردند ، که به خاطر تأثیرگذاری تخیلات نفسانی ، مورد اذعان و تصدیق قرار می گیرند و حالاتی مانند خوشحالی ، غمناکی ، شجاعت ، خوف ، ترغیب ، تقویت روحیه ، تضعیف روحیه و امثال آن را در طرف قابل ایجاد می کند. بنا بر این ، هرچه استعاره ، کنایه ، تشبیه و الفاظ مجازی بیشتری در این نوع از قضایا به کار رود ، مؤثر تر خواهد بود.

این قضایا ، در صناعت شعر ، که یکی از صناعات پنجگانه است به کار برده می شود.

مثل این قصیده انوری در مدح سلطان سنجر که هدف از آن ، ترغیب پادشاه به دادن اجازه اقامت در دربار و اعطاء هدایای سلطانی بوده است :

گر دل و دست بحر و کان باشد

دل و دست خدایگان باشد

پادشاه جهان که فرمانش
بر جهان چون قضا روان باشد
آنکه با داغ طاعتش زاید
هرکه زابنای انس و جان باشد
وانکه با مهر خازنش روید
هرچه زاجناس بحر و کان باشد
عدلش از بازمین بخشم شود
امن ، بیرون آسمان باشد
قهرش از سایه بر جهان فکند
زندگانی در آن جهان باشد
مرگ را دایم از سیاست او
تب لرز اندر استخوان باشد
